۶) مرحوم نائینی اشکالی را بر مرحوم آخوند مطرح کرده است. ایشان می نویسد:

«ثمّ ان ما دفع به الأشکال عن الواجبات النّفسیّة، بأنه یمکن ان یکون ذلک لأجل انطباق عنوان حسن إلخ، لم نعرف معناه، فانّ العنوان الحسن من أین جاء؟ و هل ذلک العنوان الا جهة ترتّب الملاکات علیها الّذی التزم انّها من تلک الجهة تکون واجبات غیریّة؟ فتأمل جیّدا.» [1]

توضیح:

واجب نفسی اگر عنوان حسن دارد به خاطر آن است که محصِّل فائده است و چیزی که به خاطر فائده، دارای عنوان حسن شود، غیری است.

ما می گوییم:

اشکال مرحوم نائینی وارد نیست چراکه مرحوم آخوند می گویند هرچه عرفاً دارای عنوان حسن باشد، واجب نفسی است و اینکه این از کجا آمده است ضرری به بحث ایشان نمی زند.

توجه شود که واجب نفسی مصداق فائده نیست تا بگوییم عنوان حسن متعلق به فائده است بلکه محصِّل فائده است و لذا عنوان اولا و بالذات متعلق به خود واجب نفسی است.

البته ممکن است بگوییم همانطور که محصِّل غرض و فائده دارای عنوان حسن می شود محصِّل وصول به واجب دیگر هم دارای عنوان حسن می شود و لذا واجبات غیری هم این عنوان را دارا می باشند.

۷) مرحوم خویی از قول استادشان مرحوم نائینی اشکالی را متوجه مرحوم آخوند کرده است. ایشان می نویسد:

«ان حسن الأفعال الواجبة المقتضی لإیجابها ان کان ناشئاً من مقدمیتها لما یترتب علیه من المصالح و الفوائد اللازمة فالإشکال باق علی حاله، و ان کان ثابتاً فی حد ذاتها مع قطع النّظر عما یترتب علیها فلازم ذلک ان لا یکون شیء من الواجبات النفسیّة متمحضاً فی الوجوب النفسیّ، و ذلک لاشتمالها علی ملاکین: النفسیّ- و هو حسنها ذاتاً- الغیری- و هو کونها مقدمة لواجب آخر- نظیر صلاة الظهر حیث انها واجبة لنفسها، و مقدمة لواجب آخر- و هو صلاة العصر، و صلاة المغرب، فانها مع کونها واجبة لنفسها مقدمة لصلاة العشاء أیضا، و افعال الحج، فان المتقدم منها واجب لنفسه و مقدمة للمتأخر. فالنتیجة انه لا وقع لهذا التقسیم أصلا علی ضوء ما أفاده (قده).» [2]

توضیح:

در واجبات نفسی اگر حسن واجب را بدون توجه به آنچه فائده آن است، در نظر بگیریم، در این صورت یک

---

۱. فوائد الاصول ؛ ج۱ ؛ ص۲۲۰

۲. محاضرات فی أصول الفقه (طبع دار الهادی) ؛ ج۲ ؛ ص۳۸۳

واجب نفسی از جهتی واجب نفسی است (چون حسن مستقل دارد) و از جهتی واجب غیری است (چون مقدمه وصول به واجب دیگر است)

ما می گوییم:

این اشکال بر مرحوم آخوند وارد نیست چراکه ایشان چنانکه به صراحت فرمودند، واجب نفسی آن واجبی است که به جهت حسن مستقل واجب شده است و لذا اگر حسن غیر مستقل هم دارد آن حسن مد نظر نیست. کما اینکه واجب غیری آن واجبی است که اگر هم دارای عنوان حسن مستقل است، ولی به خاطر آن واجب نشده است بلکه «لأجل الغیر» واجب شده است.

کلام مرحوم نائینی:

مرحوم نائینی با اشاره به آنچه آوردیم می نویسد:

«و عرف الغیری: بما أمر به للتّوصّل إلی واجب آخر. و یقابله النّفسی، و هو ما لم یؤمر به لأجل التّوصّل به إلی واجب آخر. و قد یعرف النّفسیّ: بما أمر به لنفسه، و الغیری: بما أمر به لأجل غیره.

و قد أشکل علی التّعریف الأوّل بما حاصله: انّه یلزم ان یکون جلّ الواجبات غیریّة، لأنّ الأمر بها انّما هو لأجل التّوصّل بها إلی ما لها من الفوائد و الملاکات المترتّبة علیها، الّتی تکون هی الواجبة فی الحقیقة، و کونها مقدورة بالواسطة لأنّها من المسبّبات التولیدیّة. ثمّ وجّه المستشکل بأنّ ترتّب الملاکات علی الواجبات و کون الملاکات من المسبّبات التّولیدیّة لا ینافی الوجوب النّفسی، لأنّه یمکن ان تکون الواجبات معنونة بعنوان حسن، و بانطباقه علیها تکون واجبات نفسیة، و ارجع تعریف الواجب النّفسی بأنه ما أمر به لنفسه إلی ذلک هذا. و قد أشبعنا الکلام فی بطلان توهّم کون الملاکات من المسبّبات التّولیدیّة فی مبحث الصّحیح و الأعمّ، و انّه لیست الملاکات واجبة التّحصیل لکونها من الدّواعی، و لا یمکن تعلّق إرادة الفاعل بها. فراجع ذلک المبحث. و علیه لا یرد الأشکال علی التّعریف المذکور. نعم یرد علیه، خروج الواجبات التّهیئیّة و الواجبات الّتی یستقلّ العقل بوجوبها لأجل برهان التّفویت عن کونها واجبات نفسیّة، لأن الأمر فی جمیعها انّما یکون لأجل التّوصّل بها إلی واجبات آخر، من الحجّ فی وقته، و الصّلاة مع الطّهور فی وقتها، و غیر ذلک، فیلزم ان یکون جمیعها واجبات غیریّة، مع انّها لیست کذلک کما تقدّم سابقا. فالأولی ان یعرّف الواجب النّفسی بما أمر به لنفسه، أی تعلّق الأمر به ابتداء و کان متعلّقا للإرادة کذلک، و یقابله الواجب الغیری، و هو ما إذا کانت إرادته ترشّحیّة من ناحیة إرادة الغیر، فتکون الواجبات التهیئیة کلها من الواجبات النفسیّة، حیث لم تکن إرادتها مترشّحة من إرادة الغیر، لوجوبها مع عدم وجوب الغیر، علی ما تقدّم تفصیل ذلک.»[1]

۱. فوائد الاصول ؛ ج۱ ؛ ص۲۱۹